

گزارشی از حال و هوای تبلیغات سرد و گرم نامزدها

ستادهای بی رونق و بارونق

تبلیغات یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از امروز آغاز شده است. تبلیغات از لا به لای کوچه پس کوچه ها و البته فضای مجازی به خیابان ها آمده و طرفداران و دست اندرکاران ستادهای انتخاباتی عزم خود را جزم کرده اند تا از تمام فرصت های پیش رو استفاده و زمان را به نحو مطلوبی مدیریت کنند تا در برابر رقبای دیگر کم نیاورند. یک هفته نفس گیر برای کاندیداهای طرفداران و ستادهای تبلیغاتی آن ها و به نوعی ماراتن انتخاباتی آغاز شده است و لحظه ای غفلت می تواند آن ها را از این گردونه خارج کند. خبرنگاران ما عصر دیروز و ساعاتی پیش از آغاز رسمی تبلیغات انتخابات، روایتگر حال و هوای تبلیغات سرد و گرم نامزدها و ستادهای بی رونق و بارونق شدند.

بوی چسب و رنگ

حیدرزاده- عصر چهارشنبه در حالی که ساعت ۱۷:۳۰ را نشان می دهد خود را به منزل قدیمی در یکی از خیابان های پنجور می رسانم که رفت و آمد افراد مختلف در آن از ماه ها قبل ذهنم را به خود مشغول کرده بود، شک این که این محل، جایی برای انجام کارهای مقدماتی یکی از کاندیداهای شهر است به یقین تبدیل می شود. در حیاط مثل همیشه نیمه باز است و باز هم مانند شب های گذشته از همان دور، چندین مرد از پشت شیشه های پنجره دیده می شوند که در اتاق نشسته اند و در حال گپ و گفت هستند. هر چه به ایوان نزدیک تر می شوم بوی چسب و رنگ بیشتر استشمام می شود و لبخند روی عکس های کاندیدا که روی دیوارهای یکی از اتاق ها چسبانده شده است گویی از همان پشت شیشه به من خوشامد می گوید. روی ایوان منزل چندین جفت کفش مردانه دیده می شود، برخی از آن ها گلی و پاشنه بعضی از آن ها خوابیده است البته بین آن ها دو جفت کفش مرتب هم دیده می شود که آن طرف تر قرار گرفته است. در سالن اصلی ۳ مرد جوان که روی زمین نشسته اند، خوشامد می گویند که یکی از آن ها مدیر تبلیغات محلی ستاد است. کمی استرس دارد و مدام با تلفن همراه خود مشغول صحبت است، در میان حرف هایش مواردی همچون فراهم کردن سماور و چای و مقدمات پذیرایی شنیده می شود و آن سوی خط، صدای زنی می آید که با گفتن چشم این مکالمه را خاتمه می دهد. در یکی از

اتاق ها پوسترهای بزرگ کاندیدا در وسط پهن است و دو مرد جوان در حال نصب کردن تخته به آن ها و آماده سازی برای نصب هستند.

موسیقی و اتاق کسل کننده

صدیقی- انگار پلاک بالای سرد ستاد چشمک می زند و مهمانان را به داخل هدایت می کند. صدای بلند موسیقی ابتدای ورود به ستاد گوش هر تازه واردی را نوازش می کند و به نوعی او را به وجد می آورد تا با انرژی راهروی منتهی به اتاق اصلی محفل یاران و هواداران نامزد را طی کند. افرادی که اغلب نوجوان و جوان هستند به مهمانان خوشامد می گویند. راهروی نسبتا طولانی منتهی به اتاق اصلی نشست، اتاق هایی را در خود جای داده است و هر کدام از افراد داخل این اتاق های کوچک وظیفه بزرگی همچون اطلاع رسانی در فضای مجازی و سایت ها را بر عهده دارند. سخت مشغول کارند تا جایی که اصلا سرشان را بالا نمی گیرند تا ببینند چه کسانی در رفت و آمد به ستاد هستند. میزها برای پذیرایی از مهمانان چیده و روی هر کدام از آن ها یک قندان گذاشته شده است. مانتیوئر بزرگی روی دیوار نصب شده تا زمانی که مهمانان حرفی برای گفتن ندارند به تماشای برنامه ها بنشینند و نفسی تازه کنند. هر کدام از لیدرها یک استکان چای در دست دارند و در حین حرکت هم چای می نوشند و هم به شکل تلفنی افراد پشت خط را راهنمایی می کنند که بنرهای تبلیغاتی را هر چه زودتر به شهرستان ها برسانند تا زودتر کار نصب آن ها روی دیوار شهرها به اتمام برسد و گوی سبقت را با این کار از سایر رقبای شان برایند. بر خلاف ورودی ستاد که موسیقی هیچانی در حال پخش است اتاق جلسات سرد و کسل کننده است. لحظاتی سکوت حاکم می شود، لحظاتی بحث های انتخاباتی از معایب رقبایان و محاسن کاندیدای مدنظرشان فضا را داغ می کند اما خیلی زود فروکش می کند و دوباره از لیدرها سراغ کاندیدایی شان را می گیرند که با جمله تکراری «در جلسه داخلی است» مواجه می شوند. ناگهان یک نفر که رنگ رخسارش از سر درون خبر می دهد وارد ستاد می شود و رو به یکی از لیدرها سراغ کاندیدایی مجلس را می گیرد. لیدر نماینده از او سوال می کند کارش چیست؟ او پاسخ می دهد ز من از بیمارستان مرخص

کرده ام اما پولی برای خرید دارو و اقلام خوراکی ندارم. او با پاسخی دلسرد کننده جوابش را می گیرد و به نوعی به دنبال نخود سیاه فرستاده می شود! ساعتی از حضور افراد به نوعی هوادار در ستاد می گذرد که جایی لب سوز از راه می رسد و مهمانان با صرف چای یکی یکی از محل خارج می شوند. صدای بانگ اذان بلند می شود اما کمتر کسی از جایش برای اقامه نماز بلند می شود و عجیب تر این که با پخش اذان صدای بلند موسیقی قطع نمی شود.

پوسترها آماده می شود

اسدی- چند ساعت مانده به آغاز رسمی تبلیغات کاندیداهای بهارستان، سری به ستادهای انتخاباتی می زنم تا از وضعیت آن ها با خبر شوم. در ساعت ۱۷:۳۰ چهارشنبه ستاد انتخاباتی یکی از کاندیداهای نام آشنا خلوت تر از آن چیزی است که انتظار می رود. این نامزد یک منزل مسکونی را برای ستاد موقت خود می رسد. بنرهای بزرگ تبلیغاتی برای نصب در نقاط مختلف آماده اند. دور تا دور اتاق را عکس ها و بنرهای تبلیغاتی پر کرده اند. در این میان ۶۰ تا ۷۰ لوح های همراه خود مشغول کار هستند، برخی نیز مشغول نصب شده است خودنمایی می کند. با خداحافظی با اعضای ستاد سراغ ستاد یکی دیگر از داوطلبان خستگی ناپذیر برای حضور در انتخابات مجلس می روم. او خود در ستاد حاضر است و بر روند فعالیت های تبلیغاتی از نوع نصب بنر نظارت دارد. بنرهای بزرگ روی هم ریخته شده اند و در میان گروه ها تقسیم می شوند. کاندیدا همزمان که دفتر را مدیریت می کند گوشی هم یک لحظه از دستش نمی افتد. گاه پشت خطش افراد سیاسی می آیند و در مورد حمایت از احزاب گفت و گو می کنند.

کاندیدایی که آماده نشده بود

علوی- اگر چه تا آغاز تبلیغات کاندیداهای مجلس شورای اسلامی چند ساعت بیشتر باقی نمانده بود اما گویا برخی کاندیدها کمی از قافله عقب مانده بودند. خبرنگار ما چندین بار خیابانی را که محل فعالیت یکی از ستادهای نامزدها بود، طی کرد اما هیچ نشانه ای از فعالیت آن پیدا نکرد، دست آخر وارد مکانی که قرار بود ستاد در آن جا مستقر باشد، رفت و خانمی رانتهای یافت که پشت میزی نشسته و در را به روی خود بسته بود.



وقتی در زد و در به رویش باز شد فهمید که هنوز اثری از اسباب کشی و آماده سازی محل نیست.

سکوت در اتاق کوچک

مرتضوی- چندرديف صندلی چیده شده در یک اتاق کوچک تنها نشانه ای است که سبب می شود بفهمی این جا ستاد یکی از نامزدهای انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی است اما خبری از رفت و آمدهای اولیه برای آماده سازی فضا نیست. سکوت حاکم بر فضا با ورودم شکسته می شود، انگار تنها مراجعه کننده من هستم. می پرسم این جا ستاد تبلیغاتی است؟ و جوابم «بله» ای سرد از سوی پسر جوانی است که گویا تنها مامور چیدمان صندلی در اتاقی ۳ در ۴ است. با این که چند ساعت بیشتر به آغاز تبلیغات باقی نمانده و شور و حالی وصف ناپذیر در میان برخی ستادها به چشم می خورد تا جایی که برای آماده سازی ستادهای شان برو بیایی بریاست و حضور دوستان و آشنایان حتی برای عرض خداحوت رنگ دیگری به فضای انتخاباتی شهر بخشیده اما برخی ستادها در سکوت و بدون هیچ حرکتی، در خواب تبلیغاتی به سر می برند و انگار از همین ابتدا گوی و میدان را به رقبیان خود سپرده اند. تنها چند ردیف صندلی که یک به یک در حال چیده شدن است، بیانگر این است که این مکان قرار است ستاد یکی از نامزدهایی شود که می خواهد در فرصت پیش رو خودش را به مردم شهر معرفی کند. به فاصله کمی و در حدفاصل یک چهارراه، به ظاهر ستاد دیگری برپا شده است که به نظر می رسد هر آن چه را که باید برای راه اندازی ستاد فراهم کرده و با خیالی آسوده تا آغاز رسمی زمان تبلیغات، مهر تعطیلی زده است. ۳۰ میز و بیست و چند صندلی و یک چراغ، تنها مواردی است که در فضای تبلیغاتی موجود به چشم می خورد.

شیرینی زبان

در ستاد انتخاباتی یک نامزد، نوای قوشمه در سالن پیچیده بود. مردی در بیرون از سالن، افراد را به داخل راهنمایی می کرد. بالای مجلس مهمانی که مشغول سخنرانی بود از همه می خواست دست های شان را بالا بگیرند و یا علی (ع) بگویند. پذیرایی ساده و به دور از هر گونه ریخت و پاشی بود. مهمان های سالن از هر قشری بودند؛ دکتر، مهندس، دانشجو و زنان خانه دار و سوالات شان از سوی نامزد انتخاباتی بی پاسخ نمی ماند. خانمی با سینی چای به من نزدیک شد. برخورد گرم و صمیمانه و شیرینی های کوچک زبان در دست های مهمان های نشسته روی زمین چشم نوازی می کرد. دانشجویان و عموم مردم سوال می کردند و کاندیدا با لبخندی بر لب پاسخگو بود. برخی هم شالی با رنگ خاص دور گردن شان انداخته بودند.

چگونه تبلیغات کنیم؟

شیری- شب گذشته به ستاد یکی از نامزدهای انتخاباتی که در ابتدا به نظر می رسید کسی حضور ندارد و احتمالا منتظر آغاز زمان رسمی تبلیغات هستند، وارد شدم. پشت در ورودی تنها سه جفت کفش دیده می شد اما وقتی وارد سالن شدم با حضور تقریبا ۱۲ خانم که در حال خوردن چای و شیرینی بودند و در مورد چگونگی تبلیغات صحبت می کردند مواجه شدم، همه گرد هم آمده بودند و با دیدن هر تازه واردی برق امید و شادی در چشمان شان دیده می شد و با این که برای اولین بار بود که با آن ها رو به رو می شدم اما برخورد گرم و صمیمی آن ها باعث شد احساس غربیتی در بین آن ها نداشته باشم و با خالی کردن صندلی برایم به همراه آن ها وارد بحث شان شدم. رفت و آمد کمتر و به دور از انتظار بود اما گویا همان تعداد اندک طرفداران هم با قدرت آمده بودند که نامزد مورد نظرشان را روانه بهارستان کنند. اگرچه به نظر می رسید برنامه ریزی های زیادی برای تبلیغات دارند اما زمان و مکان سخنرانی های نامزد انتخابی شان را محرمانه می دانستند و سعی داشتند با آغاز زمان رسمی تبلیغات زمان و مکان سخنرانی و ستاد مرکزی تبلیغات را اعلام کنند.

آشپزخانه ای که ستاد شد

نجفیان- ستاد انتخاباتی متعلق به ۳ نامزد در نزدیکی هم در ابتدای یک خیابان قرار داشتند. ستاد یکی از نامزدها پیش از این یک آشپزخانه بود که شب گذشته در حال جا به جایی وسایل آن بودند. کرکره ستاد یکی از نامزدهای دیگر هم کشیده شده بود. در ستاد یکی دیگر از نامزدها هم که پیش از این مغازه بود تعدادی صندلی قرار گرفته بود اما فعالیتی را شاهد نبودیم. در ابتدای یک خیابان دیگر ستاد دیگر داوطلب انتخابات قرار داشت که در حال نصب دار بست پشت درهای بسته اش بودند تا مهیا شود.

رای ما

مهندس

رضائی

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان خراسان شمالی
عضو هیئت رئیسه شورای مرکزی نظام مهندسی ساختمان کشور
دبیر آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه و هنرستان ها
دکتری حرفه ای مدیریت کسب و کار
کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری
کارشناس ارشد مدیریت پروژه
کارشناس عمران
پروانه اشتغال پایه یک ارشد مهندسی

نامزد انتخابات مجلس شورای اسلامی
جمعی از مهندسان حامی مهندس رضائی

۹/۹۸۱۶۲۲

تعمدنامه

اینجانب روح ا... ساعدی دارای کدملی ۵۹۱۹۷۳۸۷۰۷ متعهد می گردم در صورتی که خداوند متعال توفیق و سعادت خدمتگزاری صادقانه و واقعی را در این جایگاه (نمایندگی مجلس) به بنده عطا فرماید، در راستای حل مشکلات جامعه و مردم شریف، فرهیخته، غیور و انقلابی این مرز و بوم و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران لحظه ای تصور نمانیم و تمام توان خود را در این راه بکار گیرم. با توجه به این که در حال حاضر از تمکن مالی و اجتماعی مناسبی برخوردارم؛ تعهد و اقرار می نمایم هیچگونه حقوق و مزایای مادی در مدت دوره خدمت برای خود کسب ننمایم و تمامی حقوق و مزایای مربوطه را تمام و کمال صرف ارتقای فرهنگ، آموزش، کارآفرینی و رفع مشکلات و برقراری عدالت اجتماعی نمایم. اینجانب درصورت تحقق دو شرط ۱- انتخاب با حداکثر آرا ۲- حمایت اکثریت همشهریان محترم پس از انتخاب با توکل و استعانت از پروردگار متعال و رهنمودهای مقام معظم رهبری، تمامی موارد مذکور را حداکثر ظرف یک دوره انجام دهم تا خدای ناکرده در پیشگاه پروردگار متعال شرمنده نگردم. بنده خواستار شفافیت در همه امور مسئولین و خودم هستم، لذا کلیه اموال و دارایی های خود را قبل از ثبت نام توسط کارشناسان رسمی دادگستری ارزیابی و کارشناسی نمودم تا صداقت خود را اثبات نمایم و در پایان مدت خدمتم به جز سرمایه های معنوی به داشته های مالی خود نیفزایم.

تأکید می‌نمایم: مشکلات فعلی جامعه ما بودجه زیادی نمی‌خواهد، مدیریت و تدوین قوانین شفاف، جامع، قاطع و هدفمند می‌خواهد.

روح ا... ساعدی

متعهد

کاندیدای یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی از حوزه پنجنورد مانه و سملقان، گرمه و جاجرم، راز و جرگلان و غلامان